

یادداشت

سکوت، کودک آزاری را باز تولید می‌کند

مریم باقری *

آسیب‌های شدید، آثار مخرب و زخم‌های عمیق و غیرقابل جبرانی که از ناحیه آزار جنسی و جسمی، به روح و جسم و روان کودک وارد می‌شود جبران‌ناپذیر است و می‌تواند عاملی باشد که در آینده باعث افزایش انواع بزه‌کاری‌ها شود. وقتی از کودکی به منظور لذت جنسی استفاده‌می‌شود در واقع مسیر زندگی و تفکر کودک نابودمی‌شود. شاید هر چیزی بازسازی و درست‌شده، ولی آسیب به‌دنیا ی کودکی یک‌انسان تقریباً قابل جبران نیست.

کودک با بدین آزار جنسی انگار یک شب بزرگ شده و با آسیب و بحران آشنا می‌شود و این تصور را می‌کند که دنیا برای او محل امنی نیست. به ویژه اگر آزار جنسی و تجاوز از سوی افراد نزدیک مثل پدر و عمو و... رخ دهد. در واقع مراقبت کننده اولیه کودک که باید به کودک بگوید دنیای تو امن است و تو در امنیت هستی اینگونه تفهیم شود که اینجا من نیست و بدون اینکه این فرد ابزار مناسب و مهارت لازم را داشته باشد و بدون اینکه درکی از این مسائل داشته باشد، دچار بحران‌های روحی و جسمی می‌شود و در دنیای آدم بزرگ‌ها را می‌شود. ثابت‌شده هر چه سن کودک کمتر باشد آسیب آزار آن بیشتر است چون شخصیت کودک هنوز کامل نشده است.

مسئله اینجاست، در کشور ما حرف زدن از کودک آزاری یک تابو است و در مورد آن صحبت نمی‌شود. چرا؟! یکی اینکه قربانی جنسی از واکنش والدین می‌ترسد و پنهان می‌کند. اگر کودک به مرحله‌ای از رشد رسیده باشد که به والدین بگوید، ممکن است این بار والدین به‌خورد صحیحی نداشته‌باشند و جملاتی را از جمله اینکه مراقب خودت نبودی و... استفاده کنند. همچنین از هیچ خدماتی برای کمک به کودک از جمله روانپزشک و حتی علیه‌فرد خاطی شکایت‌نکنند. در آخر ممکن است سکوت کند به دلیل اینکه، فرزندمان بندام می‌شود، دیگران درباره او چه می‌گویند و اینکه ممکن است آینده فرزندم تباه شوم و اگر فرزندم دختر باشد این حساسیت بیشتر خواهد شد.

اگر جامعه و خانواده این شرایط را درک کنند و بدانند با نجات این کودک به نجات

نفرات بعدی هم کمک می‌کنند به سادگی از کنار این مسئله عبور نخواهند کرد.

به هر حال لازم به ذکر است دو سوم کودک آزارها از سوی فردی آشناز جمله دوست، اعضای خانواده و... اتفاق می‌افتد. طبق تحقیقات انجام شده از هر

هشت‌قربانی یک قربانی لب به‌اعتراف می‌گماید.

پیامدهای کوتاه‌مدت و بلندمدت کودک آزاری

اگر بخواهیم به پیامدهای کوتاه‌مدت آن اشاره کنیم باید گفت ترس در کودکان آزار دیده بیمار گونه می‌شود، گوشه‌گیری، افسردگی، در سنین کمی بالاتر دچار احساس گناه، شرم زیاد، خدشگی، بر خاشاکی، کاهش عزت‌نفس، کاهش اعتماد به نفس، عدم اعتماد به دیگری، کاهش حضور در جامعه از دیگر پیامدهای کوتاه‌مدت در کودکان آزار دیده است و از عوارض جسمی: اختلال در خوردن، بی‌اختیاری ادرار، اختلال در خواب، فرار از خانه، افت تحصیلی و حتی تخریب رشدی متلاخ پنج قدی و زورنی نرمال بوده است ولی بعد آن غیرنرمال یا توقف خواهد داشت و اما پیامدهای بلندمدت: فرد همیشه اضطراب دارد و ممکن است این اضطراب فراگیر باشد یعنی همیشه حالت گوش به زنگی دارد و احساس کند همیشه یک خطری وجود دارد. از تنهایی می‌ترسد و اینکه حتی کسی نخواهد به او محبت کند کودک با خود می‌گوید او متخاصم‌منظور دارد و با هدفی این کار را می‌کند. ممکن است کودک دوباره در معرض آزار جنسی قرار گیرد و اختلال جنسی پیدا کند. اعتماد به مواد و مشروبات الکلی پیدا کند و شاید خودش روزی تبدیل به یک آزارگر جنسی شود و حتی دست به قتل بزند.

اینکسبت به صداها حساس می‌شوند و احساس غمگینی و گناه دارند. همچنین ممکن است فلش‌بک شوند مثلاً آن حادثه در ذهن آنها مرور شود حتی در خواب. این باعث می‌شود فافر آفرس‌دگی او بیشتر شود و ممکن است گارد بگیرند انگار همیشه در خطرند.

راه‌های مقابله با کودک آزاری

فردان مرد باید بدوندسته‌از افراد موامجهیم: دسته‌ای که آزارگر جنسی ائد و دسته‌ای دیگر که آزار دیده‌اند. به نظر بنده هر دو نیاز به درمان و خدمات دارند، اما برای کاهش آن قبل از درمان می‌بایستی آگاهسازی شود.

اگر کودکی یکساله تا سه‌ساله داردیم که هنوز زبان او شکل‌نگرفته است، می‌بایستی، والدین آگاه‌تر باشند تا به‌عنوان اولین مراقبت‌کننده از کودک در برابر آسیب‌ها از او مراقبت کنند. بعد از والدین، خواهر، برادر و در بعضی مناطق که خانواده‌ها بهم زندگی می‌کنند یا والدین شاغل هستند، همه اعضای خانواده نیز باید آگاه شوند.

حالی چه کسی باید این اطلاع‌رسانی را انجام دهد؟ مادر جمعه‌ای زندگی می‌کنیم که ممکن است همه بچه‌ها به مهد کودک نروند. بنابراین نمی‌شود این نوع اطلاع‌رسانی را فقط برعهده مهد کودک‌ها قرار دهیم، زیرا ممکن است تا زمان پیش‌دستانی آموزش را از دست بدهیم. بنابراین بهترین مکان برای آگاه‌سازی، خود والدین سپس مدرسه و همان آموزش پرورش است. مدارس باید یک آموزشی تحت عنوان کمک درسی یا مهارت زندگی جدای از درس اصلی داشته باشند. محتوای این بک‌ها نیز باید به گونه‌ای باشد که در چه اول این اتفاق نیفتد و اگر هم این اتفاق رخ داد فرار از دیده‌باندن چگونبه برخورد کند.

جوامع توسعه‌یافته هزینه بیشتری به آموزش اختصاص داده‌اند تا در مان بنابراین پیشگیری حائز اهمیت است. حال اگر به هر دلیلی از جمله غفلت والدین، کسبیتی کودک، اعتماد بیش از حد به دوست و فامیل، میزان سلامت والدین، بیماری اعتیاد یا مسائل دیگر، کودک در معرض آسیب قرار گرفت، برای هر دو فرد (آزار دیده و آزار گر) چه کنیم؟

فرد آزار دیده‌بایدانکه کناید بترسد، وحشت نکند و بیداند والدین پشتیبان او هستند اما والدین؛ گر به‌و شیون نکنند، محیط را امتشج نکنند، قول دهند از فرزندشان حمایت و به آنها اعتماد می‌کنند. گرنبه بعدی آزمایش‌های لازم جسمی است که والدین باید آن را انجام دهند تا سطح آسیب کودک مشخص شود، سپس کودک را به یک دام‌کنگر متخصص لینک کنند و به‌احل شکایت علیه آن فرد اطمی کنند. دیگر مسئله‌ها از او مراقبت کنند. بعد از اشنار کنیم، قانونی است که در سال‌های قبل اثر اجرامی کردیم مثل انعام، اگر این قبیل حکم‌ها مؤثر بود می‌بایستی امار این قبیل جرم‌ها کاهش پیدا می‌کرد، اما متأسفانه هر روز با انواع بیشتری از کودک‌آزاری مواجه هستیم. نکته مهم دیگر اینکه، گمان نکنیم فرد آزار گر باید شکل و رفتار خاصی نداشته باشد. شاید او فردی موجه تلقی شود و مدتی با تصویرسازی خوب به‌خواهد به کودک نزدیک شود. معمولاً این فرد غریبه نیست چون ما کودکان راه افراد غریبه نمی‌سیاریم و اعتماد نمی‌کنیم پس باید کودک آگاهسازی شود و والدین نیز بدانند کودک‌اشان را در کجا و به چه کسی می‌سپارند که از سلامت کامل برخوردار باشد.

به هر حال سکوت، تجاوز و کودک آزاری را باز تولید می‌کند و مشکل اصلی نیز همین است. جامعه نباید قربانی را افضالوت کند باید به فکر این درد باشد و نباید در مان راه‌حلاجی کند. با سکوت‌مان نباید پروسه قربانی شدن فرد مورد تجاوز قرار گرفته را باز تولید کنیم. بهتر است به جای انکار این بدیده و سیاه‌مانی در جامعه بپذیریم در تمامی جوامع چه پیشرفته و چه در حال توسعه این اتفاق رخ می‌دهد فقط با ضریب متفاوت. کودک کی که آزار دیده را رها نکنیم زیرا او یک قربانی است. او اسرزنش نکنیم، بپذیریم به او بگوییم با وجود این حادثه تو را دوست دارم و تو را درک می‌کنم. از فرایند درمان از روش‌شناس متخصص کمک بگیریم و بگوییم حمایت می‌کنیم و قوت قلب بدهیم و بگوییم که می‌توانی به آینده امیدوار باشی.

گاهی خانواده‌ها در برخی موارد دچار هراس و اضطراب می‌شوند و کودک با نوجوان از ترس محدودیت شدید ترجیح می‌دهد سکوت کند تا ماجرا سرباز نکند.

✽ **روانشناس و فعال حوزه کودکان آسیب دیده اجتماعی**

پلیس‌های قلابی

سه‌شنبه‌ها به سرقت می‌رفتند



اعضای باند مأموران قلابی که سه‌شنبه‌ها به بار لوازم خانگی وانتی‌ها دستبرد می‌زدند پس از دستگیری مدعی بودند سه‌شنبه‌ها برای آنها خوش یمن بود.

به گزارش خبرنگار ما، شش‌ماه سه‌شنبه‌اواسط تیرماه امسال مردی سراسیمه به اداره پلیس رفت و گفت: سه‌مرد مأمورنما را به خودرواش را که لوازم خانگی بود سرقت کردند.

شأکی در توضیح ماجرا گفت: من خودروی وانت دارم و با آن از شهرستان به تهران بار کشمی می‌کنم. یک روز قبل مقداری لوازم خانگی از یکی از شهرهای غربی کشور به مقصد تهران بار ردم و قرار بود صبح روز چهارشنبه تحویل صاحب آن بدهم. ساعتی قبل در حوالی بزرگراه خلیج فارس در حال رانندگی بودم که خودروی زانتیای مشکئی به من نزدیک شد و با تابلوی ایستنی به من دستور توقف دادند. ابتدا تصمیم گرفتم توقف نکنم، اما یکی از آنها پی سیم داخل ماشین کشد که من نشان داد و گفت مأمور پلیس مبارزه با مواد مخدر است. وقتی خودرو را کنار بزرگراه نگه‌داشتم یکی از آنها مدعی شد که داخل بار خودروم مقدار زیادی مواد مخدر جاسازی کرده‌ام و باید همراه آنها به اداره پلیس بروم. آنها مرا به داخل خودروی زانتیا بردند و یکی از آنها شروع می‌شد و مواد مخدر توقف کرد، اما داخل ستاد نشدند. یکی از آنها تلفنی با فرد ناشناسی شروع به حرف زدن کرد و بعد دوباره با خودرو به راه افتادیم. دقایقی بعد خودروی آنها روبروی ستاد مبارزه با مواد مخدر توقف کرد، اما داخل ستاد نشدند. یکی از آنها تلفنی با فرد ناشناسی شروع به حرف زدن کرد و بعد دوباره با خودرو به راه رفتیم و مدعی شدند که بار خودروم توقیف شده و اگر در این باره با کسی حرفی بزنم مرا به اتهام حمل مواد مخدر بازداشت می‌کنند. وقتی سه‌مرد مشکئی پوش از محل دور شدند تازه فهمیدم که آنها مأمور نما بودند و تمامی بار خودروم را از سینی‌مرا از خودرو پیاده کردند. کردم شماره پلاک خودروی آنها را به خاطرم سپردم.

آغاز تحقیقات به دستور باز پرس

با طرح این شکایت تیمی از کارآگاهان پلیس آگاهی به دستور قاضی علی و سبیله ایرد موسی، باز پرس شعبه پنجم دادسرای ویژه سرقت برای شناسایی و دستگیری متهمان مأمور نما در عمل شدند.

همزمان با ادامه تحقیقات مأموران با چند شکایت مشابه روبه‌رو شدند که همگی حکایت از این داشت سسارقان مدتی است با خودروی زانتیای مشکئی رنگی در پوشش مأمور پلیس مبارزه با مواد مخدر روزهای سه‌شنبه به خودروهای سواری که از شهرهای جنوبی و غربی لوازم خانگی به سمت تهران حمل می‌کنند دستبرد می‌زنند.

یکی از شاکیان دیگر گفت: روز سه‌شنبه بود همراه خودروام که از یکی از شهرهای جنوبی لوازم خانگی بار زده بودم به نزدیکی تهران رسیدم و تصمیم گرفتم برای کمی استراحت توقف کنم که سه‌مرد سیاه‌پوش مأمورنما مرا به پهانه حمل موادمخدر بازداشت کردند و ساعتی بعد پس از سرقت بار خودروم مرا رها کردند.

سردسته باند با خودروی پدرش به سرقت می‌رفت
در حالی که تحقیقات درساره این حادثه ادامه داشت مأموران با شماره پلاکی که شأکی در اختیارشان قرار داده بود صاحب خودرو را که مرد میانسالیی بود شناسایی کردند. صاحب خودرو در بازجویی‌ها مدعی شد که مدتی است پسر جوانش به نام وحید با خودروی او مسافزکنمی می‌کند. بدین ترتیب مأموران وحید را بازداشت کردند و مورد بازجویی قرار دادند.

متهم ابتدا منکر جرم خود شد، اما وقتی با یکی شاکیان روبه‌رو و شناسایی شد به سرقت‌های سسریالی با همدستی دو نفر از دوستانش به نام‌های پژمان و بهنام اعتراف کرد. پس از اعتراف متهم دو همدست‌وی بازداشت شدند. چند روز قبل سه‌متهم برای بازجویی به دادسرا منتقل شدند و مورد بازجویی قرار گرفتند. در ادامه سه‌مرد مأمورنما به اتهام آدم‌ربایی، سرقت مسلحانه و مقرون به‌آزار و غصب عنوان مأمور پلیس به دستور قاضی علی وسیله ایرد موسی روانه زندان شدند.

گفت‌وگو با رئیس باند

فکر نمی‌کردی یکی از شاکیان پلاک خودروی شما را یادداشت کند؟

نه، من همیشه پلاک خودروی پدرم را مخدوش می‌کردم، اما سه‌شنبه آخر فراموش کردم.

چرا همیشه سه‌شنبه‌ها به سرقت می‌رفتید؟

سه‌شنبه‌ها برای همه ما خوش یمن بود. واقعیتش ما هر سه نفر در زندگی‌مان از روزهای سه‌شنبه خاطرات خوبی داریم و به همین سبب فکر می‌کردیم روز سه‌شنبه برای ما خوش یمن است و این روز را برای سرقت انتخاب می‌می‌کردیم.

اما روز سه‌شنبه هم شناسایی و دستگیر شدی؟

بله، این سه‌شنبه آخر برای ما نحس شد.

از چه زمانی شروع به سرقت کردید؟

از اوایل امسال شروع کردیم. من بیکار بودم که خودروی پدرم را به پهانه مسافر کشی گرفتم و همراه دوستان نقشه سرقت طراحی کردیم.

به چند سرقت اعتراف کردید؟

به پنج سرقت محموله لوازم خانگی و یک سرقت مسلحانه از سوپرمارکت اعتراف کردیم.

چرا از سوپر مارکت سرقت کردید؟

ما ابتدا به صورت مسلحانه به سوپر مارکتی دستبرد زدیم، اما پول زیادی گیرمان نیامد و تصمیم گرفتیم محموله لوازم خانگی سرقت کنیم.

فقط به خاطر پول زیاد؟

نه، من عشق پلیس بازی هم داشتم و دوست داشتم همیشه تجهیزات پلیسی داشته باشم و با افراد برخورد کنم. از اینکه اسلحه یا بی‌سیم همراهم بود و به دیگران نشان می‌دادم احساس غرور می‌کردم.

اموال سرقتی را چه کار می‌کردید؟

پس از سرقت ابزار می‌کردیم و در فرصت مناسب به فروشگاه‌های سطح شهر می‌فروختیم.

سپه‌م هر کدام از شما چقدر می‌شد؟

معمولاً هر بار بین ۵۰ تا ۷۰ میلیون تومان می‌فروختم و بین هم تقسیم می‌کردیم.

خاطره‌ای هم از سرقت‌ها دارید؟

خاطره که نه، اما در یکی از سرقت‌ها راننده گفت بار خودرواش چیزیه خواهرش است که بابدیختی خریداند و گریه کرد که دل‌م برای او سوخت و از همدستانم خواستم او را رها کنند.

حوادث

سرویس حوادث ۸۴۹۸۴۳۵

سردار نوریان معاون اجتماعی ناجاشد

با حکم فرمانده ناجا سردار نوریان به عنوان معاون اجتماعی ناجا منصوب شد.

فرمانده نیروی انتظامی همچنین سردار نوری‌نژاد را به سمت رئیس کل بازرسی ناجا، سردار درویش را به سمت مدیرعامل بنیاد تعاون، سردار کاکاوند را به سمت فرمانده یگان حفاظت از شخصیت‌های ناجا و سرداران منتظرالمهدی و مجرد را به سمت مشاوران فرماندهی ناجا منصوب کرد.

مرد فریبکار به مرگ محکوم شد

مردی که متهم است با وعده تهیه نسخه جادویی زن جوان را قریب داده و به قتل رسانده بود محاکمه و به قصاص محکوم شد.

به گزارش خبرنگار ما، شانزدهم اسفندسال ۹۵، مأموران پلیس غرب تهران جسد زن جوانی را در حاشیه بزرگراه حکیم کشف کردند. در اولین بررسی‌ها معلوم شد که زن جوان باصابت ضربات چاقو به قتل رسیده است. با انتقال جسد به پزشکی قانونی، مأموران را یافتند جسد متعلق به لعیبا ۳۰ساله‌ست که مدتی قبل در تلگرام با پسری به نام عرفان آشنا شده بود او با وجود مخالفت خانواده‌اش در مردادماه همان سال به عقد عرفان در آمد اما خیلی زود متوجه شد که عرفان صاحب همسر است بنابراین از او جداشد. این پایان ماجرا نبود بلکه لعیبا به خاطر علاقه‌اش به عرفان قصد داشت دوباره با وی آشنی کند بنابراین از دوستش سمیه و شوهر او بابک درخواست کمک کرد. بعداز به دست آمدن این اطلاعات بود که مأموران پلیس سمیه و بابک را به عنوان دو مظنون بازداشت کردند. بابک در بازجویی‌ها به قتل لعیبا اعتراف کرد و گفت: «به پهانه سحر و جادو قصد اخذای از مقتول را داشتم به همین دلیل او را به قتل رساندم.»

با اقرارهای متهم و بازسازی صحنه جرم، کبفرخواست علیه وی صادر و پرونده بعد از کامل شدن تحقیقات به شعبه پنجم دادگاه کیفری یک استان تهران فرستاده شد. در اولین جلسه محاکمه که به ریاست قاضی بابایی تشکیل شد، اولیای دم درخواست قصاص کردند. سپس متهم یای میز محاکمه قرار گرفت و در شرح ماجرا گفت: «یک ماهی بود که با سمیه از زواج کرده بودم، اما شغل منسب در آمدی نداشتم. همسر می‌باعت شد تصمیم بگیرم از سر و همسرم، لعیبا که وضع مالی خوبی داشت پول بگیرم دنبال پهانه‌ای بودم تا اینکه از متشکل لعیبا نامزد قبلی‌اش باخبر شدم. به او دروغ

گفتم رمالی را می‌شناسم که می‌تواند در عوض دریافت ۲میلیون حاشیه بزرگراه‌ها کارم و گریختیم.»

سامان بگیرد. مقتول باشنیدن این حرف خوشحال شد و ۲میلیون تومان پول نقد را به من داد. یک ماهی گذشت تا اینکه لعیبا وقتی تغییر در زندگی‌اش احساس نکرد متوجه شد نسخه‌ای در کار نیست و پولش را درخواست کرد.»
متهم ادامه داد: «هر بار از سر دادن پول ظفره می‌فتم تا اینکه لعیبا به ماجرای برده‌فهمید همه چی دروغ بوده‌است. انجا بودم ملام مرانه‌پدیمی کرد و فهمیدم قصد دارد حقیقت را به همسرم، سمیه بگوید. همین باعث شد به پهانه بابک پولش را برگردانم. بعد از سر قرار وقتی فهمید خبری از پول نیست عصبانی شدم من سعی کردم او را آرام کنم و برای پس دادن پول مهلت بگیرم ولی قبول نکرد. انجا بود که دست به چاقو شدم و او را زخمی کردم. از ترس جرم زخمی لعیبا را میان شمشادهای حاشیه بزرگراه‌ها کارم و گریختیم.»

متهم در آخرین دفاعش گفت: «پشیمانم، باور کنید به خاطر ندانستن کار و در آمد مجبور شدم دست به این کار بزنم. روز حادثه من قصد کشتن مقتول را نداشتم. اما کنترل اعصابم را از دست دادم و دست به چاقو شدم. از اولیای دم درخواست گذشت دارم.»
در پایان هیئت قضایی بعداز شور با توجه به درخواست اولیای دم و شواهد موجود، بابک را به قصاص محکوم کرد.

دستگیری عامل سرقت خودرو و کودک خردسال

مردی که خودروی سواری به همراه کودک ۹ساله داخل آن را در شهرستان تربت حیدر به سرقت کرده بود بازداشت شد.

به گزارش خبرنگار ما، سردار قادر کریمی فرمانده انتظامی استان خراسان رضوی توضیح داد: دو روز قبل زن جوانی به مأموران پلیس شهرستان تربت حیدریه خبر داد که خودروی وی به همراه کودک ۹ساله‌اش سرقت شده‌است. وقتی کارآگاهان پلیس آگاهی مأموران کلانتری ۱۱ در محل حاضر شدند زن جوان گفت: برای جابه‌جایی خودروام که یک دستگاه پژو ۴۰۵ است از مرد هگدزی درخواست کمک کردم که قبول کرد و پشت فرمان نشست. او در حالی که پسر ۹ساله‌ام به نام ابوالفضل هم داخل خودرو نشسته بود خودرو را به سرقت برد.

بعداز مطرح شدن شکایت تیم‌های پلیس دست به تحقیق زدند. دو ساعت بعداز وقوع حادثه و در حالی که بررسی‌ها در این باره ادامه داشت تا اینکه خبر رسید عامل سرقت با رها کردن خودرو کودک در محدوده خیلان فردوسی شمالی تربت‌حیدر به‌از محل گریخته است. بعد از آن بود که کودک در سلامت کامل به خانواده‌اش تحویل داده شد. در شاخه دیگری از تحقیقات کارآگاهان پلیس موفق شدند عامل سرقت را که مردی ۲۶ساله بود بازداشت کنند. سردار کریمی گفت: تحقیقات بیشتر از متهم در جریان است.

کشف جسد دختر ۹ساله پس از ۲۶ روز

جسد دختر بچه ۹ساله که ۲۶روز قبل در رودخانه کرج نابدید شده بود کشف شد.

ناصر چرخ‌ساز، مدیرعامل جمعیت هلال احمر البرز گفت: ۲۶خرداد پدر و دختری در کیلومتر ۱۵ جاده کرج- چالوس غرق شدند که از همان ابتدای حادثه عملیات جست‌وجو آغاز شد. پس از ۸ساعت تلاش امدادگران، جسد پدر را کشف کردند و تلاش برای پیدا کردن جسد دختر بچه ادامه داشت تا اینکه صبح دیروز جسد کودک در محدوده کیلومتر ۱۰ جاده کرج-چالوس کشف شد.

